

نتایج سیاست‌های توسعه منطقه‌ای یکپارچه در ترکیه

تألیف: Ismail H. Ozsabuncuoglu

ترجمه: دکتر رحمت محمدزاده

استادیار گروه معماری دانشگاه تبریز

چکیده

توسعه سیاست حمایت اقتصادی دولت‌های ترکیه، بر حذف نابرابری‌های منطقه‌ای در رشد اقتصادی تأکید داشته، لیکن این سیاست‌ها در بسیاری از استانها با عدم موفقیت مواجه گردیده است. دلایل اساسی چندی برای شکست این برنامه‌ها وجود دارد. یکی از دلایل اصلی این مسئله، اجرای برنامه‌های غیر مؤثر و ناهماهنگ بدون سرمایه‌گذاری‌های کافی می‌باشد که در صورت سرمایه‌گذاری‌های اساسی در طرح‌های توسعه - از طریق سرمایه‌گذاری داخلی یا بطور خاص از جامعه اروپا - و سازماندهی کارای مطابق با نیازهای منطقه‌ای کشور، ترکیه به سوی رشد اقتصادی متعادل منطقه‌ای سوق خواهد یافت.

مقدمه

اصلاح توزیع درآمد ملی هم در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای توسعه یافته از مسائل اصلی به شمار می‌رود. از آنجا که مناطق مختلف یک کشور دارای ویژگیهای خاصی می‌باشند توزیع درآمد منطقه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تفاوت بین سطوح درآمد منطقه‌ای تنها در کشورهای در حال توسعه نیست؛ بلکه در اروپای شرقی و غربی، شرق و غرب آلمان، شمال و جنوب ایتالیا، بخش‌های شرقی، مرکزی و غربی ایالات متحده آمریکا، شرق و غرب ترکیه نیز وجود دارد.

سیاست‌های توسعه منطقه به منظور کاهش نابرابریهای سطح توسعه مناطق و یا بخش‌های اقتصادی اتخاذ می‌شوند. سیاستگذاران جهت برنامه‌ریزی، طراحی و بکارگیری سیاست‌های موفقیت‌آمیز برای یک منطقه خاص، نیاز به آگاهی کامل و درک پیشرفت‌های گذشته آن منطقه دارند. بعلاوه، آنها در خصوص موقعیت‌های اجتماعی، مالی و اقتصادی موجود منطقه به اطلاعات در دسترس نیاز دارند. طرح‌های توسعه منطقه‌ای، اصلاحاتی در زندگی اجتماعی و اقتصادی بوجود می‌آورد؛ پیش‌بینی‌هایی که اهرم‌های قدرتمند برنامه‌ریزان و سیاستگذاران می‌باشد، سهم و مشارکت مردم محلی از عناصر تعیین‌کننده‌ای هستند که بر کلیه مؤلفه‌های توسعه منطقه‌ای یکپارچه تأثیر می‌گذارند.

ترکیه به عنوان یک کشور در حال توسعه، بعضی مسائل عقب‌ماندگی اداری، آموزشی و اقتصادی داشته است: عملکرد اقتصادی و تکنولوژیکی

آن معمولاً کند و در حال نوسان بوده است. بعلاوه، در طی بیش از ۳۰ سال از آغاز اقتصاد برنامه‌ریزی شده ترکیه، غالباً شرایط اقتصادی دوگانه‌ای مشاهده شده است. با چنین چشم‌اندازی، این مقاله به کاربرد پروژه‌های توسعه منطقه‌ای پرداخته و درصدد این است که آیا منافع مورد انتظار این طرح‌ها کاملاً واقع‌بینانه بوده یا نه.

مطالعاتی چند، در خصوص الگوهای توزیع درآمدی در ترکیه وجود دارد؛ این مطالعات، عموماً روی توزیع کمی درآمد متمرکز می‌باشند. اولین کار در سال ۱۹۶۳ توسط سازمان برنامه‌ریزی کشور^(۱) انجام شده و در سالهای ۱۹۷۳، ۱۹۸۸ و ۱۹۹۴ تکرار گردیده است. از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۹۴ مطالعات شش‌گانه توزیع درآمد به فاصله پنج سال انجام شد که این مطالعات مقایسه استاندارد را ممکن ساخت. نتایج در جدول ۱ خلاصه شده‌اند. سهم درآمد فقیرترین گروه، روند L شکل را داشته است؛ به عبارت دیگر سهم آن از ۴/۵ درصد در سال ۱۹۶۳ به ۲/۶ درصد در سال ۱۹۸۳ کاهش یافته، سپس به ۴/۹ درصد در سال ۱۹۹۴ افزایش پیدا نموده است. از طرف دیگر، ۵ درصد جمعیت (ثروتمندان) ۵۷ درصد درآمد کل کشور را در سال ۱۹۶۳ تصاحب نموده و در سال ۱۹۹۴ این رقم به ۵۴/۹ درصد کاهش یافته است. از آنجا که در طول بیش از ۳۰ سال، سهم درآمد فقیرترین گروه ۸/۸۹ درصد افزایش یافته و سهم غنی‌ترین گروه ۳/۶۸ درصد کاهش داشته، بنابراین بطور مشخص، اصلاحاتی چند در توزیع درآمد ترکیه به وجود آمده است. هر نوع انحراف از توزیع درآمدها از برابری مطلق (درآمدهای افراد) با مقیاس ضریب جینی^(۲) اندازه‌گیری می‌شود؛ در حقیقت ضریب جینی عبارت است از مجموعه مساحت بین محنی لورنز^(۳) که نشان دهنده توزیع درآمدهای واقعی و خط توزیع مطلق متمایل می‌باشد. ضریب جینی کم با توزیع یکنواخت، بیانگر کل درآمد ملی در بین گروه‌های جمعیتی مختلف کشور است. ضریب جینی ترکیه بین سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۹۴ از ۳/۹۲ درصد به ۵۱/۰ تا ۴۹/۰ کاهش یافته است؛ این امر نشان می‌دهد که توزیع درآمد تا حدودی اصلاح شده است (اینصاری،^(۴) ۱۹۹۷: ۱۸).

نسبت درآمد ثروتمندترین گروه به فقیرترین، نشانگر درجه عدم تعادل توزیع درآمد می‌باشد. در سال ۱۹۶۳ ثروتمندترین گروه، تقریباً ۲۲ برابر بیشتر از فقیرترین گروه درآمد داشته است. این نسبت در سال ۱۹۹۴ به

۱۱/۳ کاهش یافته و ترکیه در ردیف پنجم کشور با نامتعادلترین درآمد قرار گرفت: مکزیک (۱۳/۶)، کلمبیا (۱۵/۵)، شیلی (۱۷/۰) و برزیل (۳۲/۱) (سونمیز^(۵)، ۱۹۹۷b، ۲۴ و ۲۵)

جدول ۱: روند توزیع کمی درآمد ترکیه در سالهای ۱۹۹۴ - ۱۹۶۳ (به درصد)

گروه جمعیتی	۱۹۶۳	۱۹۷۳	۱۹۷۸	۱۹۸۳	۱۹۸۸	۱۹۹۴
گروه ۲۰٪ اول	۴/۵	۳/۵	۲/۸	۲/۶	۴/۰	۴/۹
گروه ۲۰٪ دوم	۸/۵	۸/۰	۷/۳	۶/۹	۷/۰	۸/۶
گروه ۲۰٪ سوم	۱۱/۵	۱۲/۵	۱۳/۰	۱۲/۶	۱۳/۰	۱۲/۷
گروه ۲۰٪ چهارم	۱۸/۵	۱۹/۵	۲۲/۱	۲۱/۴	۲۱/۰	۱۹/۰
گروه ۲۰٪ پنجم	۵۷/۰	۵۶/۵	۵۴/۷	۵۵/۹	۵۵/۰	۵۴/۹
ضریب جینی	-	۰/۵۱	-	-	۰/۴۳	۰/۴۹
نسبت غنی به فقیر	۱۲/۷	۱۶/۱	۱۹/۵	۲۱/۵	۱۳/۸	۱۱/۳

دولت ترکیه به منظور اصلاح الگوی توزیع درآمد نامتعادل کشور برای اولین بار در سال ۱۹۶۲ سیاست‌های توسعه برنامه‌ریزی اقتصادی را در دستور کار قرار داد و برای انجام این امر، کشور را به سه گروه استانی، نسبتاً توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و کمتر توسعه یافته تقسیم نمود. دولت بر مبنای این طبقه‌بندی، جهت کمک به نواحی کمتر توسعه یافته از ابزارهای پولی و مالیاتی شامل تسهیلات اعتباری ترجیحی، اولویت در ساخت زیربنای، مالیات و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و نظایر آن استفاده کرده است. علاوه بر این، دولت سیاست‌های توسعه منطقه‌ای یکپارچه مانند پروژه کانکری - کروم^(۶) در آناتولیای مرکزی، پروژه آناتولیای شرقی، پروژه آناتولیای جنوب شرقی و پروژه شرقی دریای سیاه را اجراء نموده است. پروژه آناتولیای جنوب شرقی، همانند دیگر طرح‌ها، به منظور کاهش اختلاف درآمد بین مناطق مختلف ترکیه، تنظیم شده بود.

پیش‌بینی می‌شد که افزایش محصولات کشاورزی، در اثر اعمال تکنیکهای کشاورزی مناسب (آبیاری، استفاده از کود، اصلاح بذر و غیره)، نه تنها منافع برای مردم محلی، بلکه برای کل کشور در برداشته باشد (اوزگینک^(۷)، ۱۹۹۵، ۲۳-۳۰).

آیا این سیاست‌ها و پروژه‌ها، درآمد مردم را افزایش می‌دهند و توزیع درآمد منطقه‌ای را اصلاح می‌کنند؟ در این مقاله، به این موضوع و سئوالات مرتبط دیگر پرداخته می‌شود.

اهداف تحقیق

تمرکز اصلی این تحقیق، بر توسعه اقتصاد منطقه‌ای ترکیه می‌باشد. با بکارگیری تحلیل‌های آماری مناسب برخی از روابط بین متغیرها نظیر GNP استانی، جمعیت کشور، میزان رشد جمعیت، سرمایه‌گذاری عمومی، نیروی کار و موقعیت‌های جغرافیایی، روشن خواهد شد. دستیابی به برخی از توصیه‌های خط‌مشی، هدف نهائی این کار می‌باشد.

مروری بر مطالعات مرتبط

در این قسمت، تحقیقات مرتبط در چهار گروه مورد بررسی قرار می‌گیرند. گروه اول شامل چهار مقاله توصیفی است. در این گروه بجز یک مورد که ارائه صرف آماری و طرح برخی از نتایج مبتنی بر داده‌های مرتبط است بقیه فاقد تحلیل‌های آماری می‌باشند. سونمیز^(۹) (۱۹۹۵) سطوح توسعه استانها را مقایسه می‌کند. برای نیل به این هدف، ارقام GNP استانی، نیروی کار، مصرف انرژی، هزینه‌ها و درآمدهای مالیاتی دولت مرکزی برای هر استان و سایر عوامل اقتصادی و اجتماعی معیارهای ترجیحی بوده‌اند. این داده‌ها به روشنی نمایان ساخت که درآمدهای قسمت‌های شرقی و غربی ترکیه بسیار متفاوت هستند. در حالیکه جمعیت استانهای شرقی رو به کاهش بوده و جمعیت استانهای غربی روند افزایشی دارند. اتاق بازرگانی استانبول^(۱۰) (ایتو^(۱۱)، ۱۹۹۶) در سه منطقه عقب مانده از نظر اقتصادی: آناتولیای جنوبی، آناتولیای شرقی و منطقه دریای سیاه شرقی تحقیقاتی نموده است. فهرستی طولانی از توصیه‌ها که دربرگیرنده مشکلات مالی، بخش کشاورزی، بخش صنعتی، زیرساخت منطقه‌ای و بخش جهانگردی است در انتهای این مطالعه ارائه شده که با موضوع این مقاله ارتباط نزدیکی دارد.

سونمیز (۱۹۹۷a) سطوح توسعه ۹۱۰ شهر ترکیه را مورد مقایسه قرار می‌دهد. این شهرها، برحسب میزان GNPs آنها به ازاء کل GNP ترکیه از غنی‌ترین تا فقیرترین شهرها دسته‌بندی می‌شوند. همچون گذشته، از نظر اقتصادی غلبه شهرهای بخش غربی کاملاً روشن می‌باشد. گرچه هیچگونه آزمون معنی‌دار آماری که مؤید این امر باشد وجود ندارد لیکن این شهرها غنی‌تر از شهرهای شرقی هستند. در مطالعه‌ای که تنها در ۱۸ شهر از ۹۱۰ شهر (دو درصد) منطقه استانبول، از میر، بورس، آدانا، ایسل^(۱۲) و آنکارا انجام شده به این نکته اشاره دارد که حدود ۲۶/۶ درصد تولید ناخالص ملی ترکیه به این شهرها اختصاص دارد. اینصاری (۱۹۹۷) الگوی توزیع درآمد ترکیه را برحسب مقایسه نتایج مطالعات سه‌گانه‌ای که در سالهای ۱۹۷۳، ۱۹۸۷ و ۱۹۹۴ انجام شده مورد ارزیابی قرار می‌دهد. او نتیجه گرفت که چون سهم درآمد ۲۰ درصد فقیرترین جمعیت از ۳/۵ درصد در سال ۱۹۷۳ تنها به ۴/۸۶ درصد در سال ۱۹۹۴ افزایش یافته، بنابراین توزیع در طی بیش از ۲۰ سال بطور معنی‌داری اصلاح نشده است. با این وجود، ضریب جینی در حد کمی اصلاح شده و از ۰/۵۱ در سال ۱۹۷۳ به ۰/۴۹ در سال ۱۹۹۴ رسیده است (اینصاری، ۱۹۹۷، ۱۸-۱۶). توزیع منطقه‌ای درآمد که مورد توجه خاص این مقاله است نشان می‌دهد که مناطق غربی ترکیه (مرمره - آجین^(۱۳)) بالاترین سهم GNP در سالهای ۱۹۷۳، ۱۹۸۷ و ۱۹۹۴ را به خود اختصاص داده در حالیکه مناطق شرقی و جنوب شرقی کم‌ترین درآمدها را داشته‌اند (اینصاری، ۱۹۹۷: ۱۹-۱۷).

دو منبع دیگر، نظریه‌هایی چند در خصوص توسعه منطقه‌ای و توزیع درآمد ارائه نموده‌اند. دینلر (۱۴) در اهداف سه‌گانه اصلی توسعه منطقه‌ای موارد سودبخشی اجتماعی، قطب‌های توسعه و مشارکت عمومی را مطرح ساخت (دینلر، ۱۹۸۶: ۲۰۲-۱۹۹).

عواملی که می‌توانند برای توسعه منطقه‌ای بکار گرفته شوند ابزارهای مالی (پول) و مالیاتی هستند. این عوامل فعالیت‌های اقتصادی را برای موقعیت‌های معین هدایت، سرمایه‌گذاری‌های عمومی ضروری را تضمین و سازمان‌های اداری را برای مشکلات محلی هماهنگ می‌کنند. این ابزارها، تشخیص یک بخش یا یک گروه از شرکت‌ها به عنوان هدایت‌کنندگان رشد اقتصادی و حمایت آنها از فعالیت‌های اقتصادی‌شان را نسبتاً آسان می‌سازند. از این طریق، فعالیت‌های اقتصادی به دیگر شرکت‌ها و بخش‌های ذیربط نیز گسترش می‌یابد (دینلر، ۱۹۸۶: ۲۶-۲۱۶)

کازگان و دیگران^(۱۵) (۱۹۹۲) عوامل مختل‌کننده الگوهای توزیع ترکیه را تحلیل نمودند. آنها در ابتدا جمعیت و توسعه نیروی کار در کشور را مورد ملاحظه قرار دادند. عواملی که علت توزیع نامتعادل درآمد در کشاورزی، صنعت و بخش‌های خدمات عمومی می‌باشند در بخش‌های بعدی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و برخی نتیجه‌گیری‌های مشخص بیان شده است.

روشهای تحقیقی و مدل‌سازی تحقیق حاضر براساس مطالعات پنج‌گانه تحلیلی طراحی شده است. نیجکامپ و بلاس^(۱۶) (۱۹۹۵: ۹۷-۵۷۹) به منظور تهیه یک چهارچوب تجربی برای ارزیابی تطبیقی میان منطقه‌ای در عملکرد صندوق توسعه منطقه‌ای اروپا^(۱۷)، مدلی را پیشنهاد نمودند. آنها اثرات بعد از اجراء سیاست‌های منطقه‌ای جامعه اروپا را با یک روش معمولی اکتشافی و یک مدل مبتنی بر تبیینات عقلی مورد تحلیل قرار دادند. قابلیت اجرایی این مدل در مناطق هلند مورد آزمایش قرار گرفت.

روش تکمیلی به منظور ارزیابی طرحهای مختلف توسعه از نظر عوامل زیست محیطی و سایر عوامل محدودکننده‌ها بوسیله وان هیولینبروک و کاپینس^(۱۸) (۱۹۹۵، ۳۹۳-۴۰۷) در اسکاتلند بکار گرفته شد. آنها در پانلی، دو به دو گزینه‌های مزبور را از دید تصمیم‌گیرندگان محلی و سایر مشارکت‌کنندگان در ناحیه گوردون^(۱۹) مورد مقایسه قرار دادند. سپس از طریق بکارگیری تحلیل‌های چندمتغیره‌ای برای این اطلاعات، اقدام به رتبه‌بندی گزینه‌ها نموده و بین معیارهای مختلف توازن برقرار نمودند.

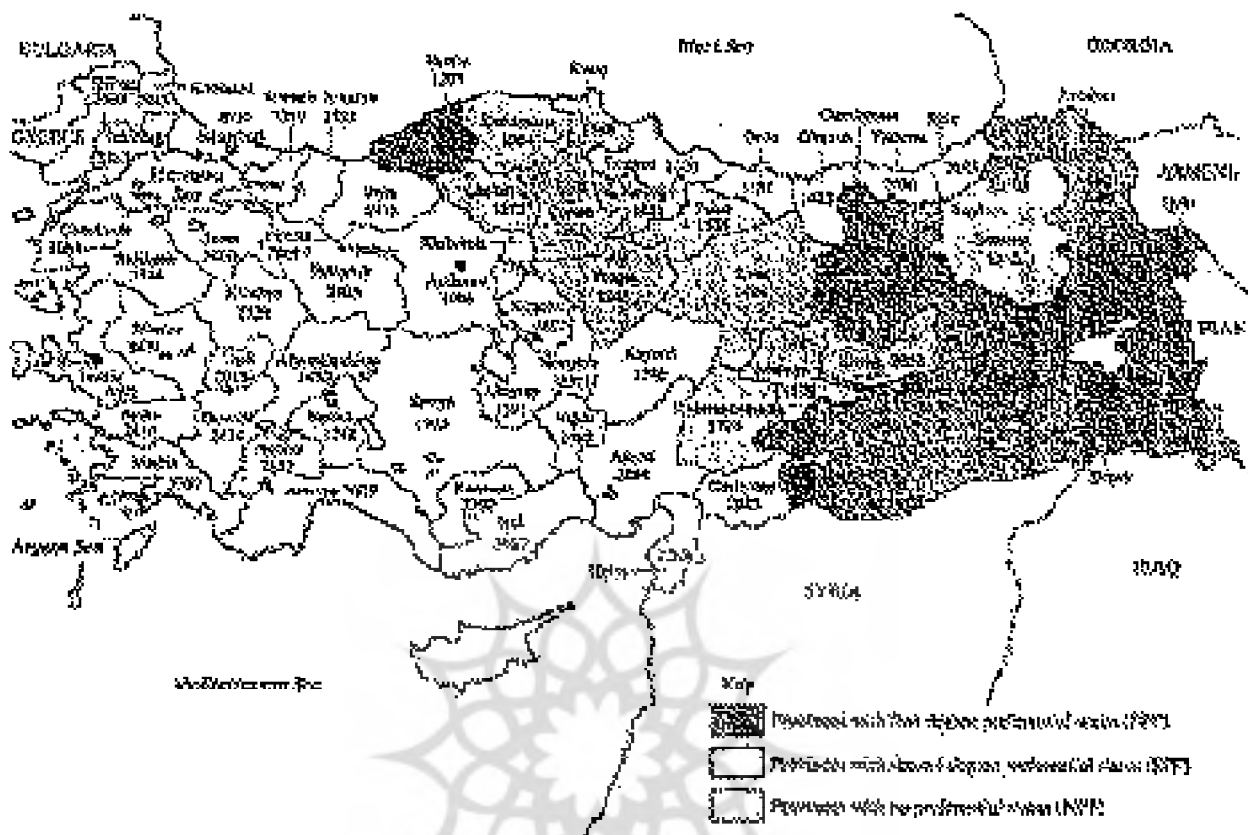
روزیل و بویسورت^(۲۰) در راستای توسعه، یک چهارچوب کنترلی پویا جهت تبیین الگوی رشد نامتعادل روستاهای چین در دوره بعد از اصلاحات سوسیالیستی مطرح نمودند. داده‌های میان بخشی که ۴۰ روستا در چین شرقی را دربرمی‌گرفت برای تثبیت برخی از ارتباطات بین متغیرهای مدل مورد بهره‌برداری چندنسبتی بکار گرفته شد؛ این بررسی نشان داد که بین کشاورزی و صنعت روستائی یک ارتباط قوی وجود دارد. رشد نامتعادل می‌تواند در اثر انتقال یک طرفه منابع از بخش کشاورزی به بخش صنعت روستائی توجیه گردد (روزیل و بویسورت، ۱۹۹۵: ۳۳-۳۲۲) موموا و همکاران^(۲۱) (۱۹۹۵، ۴۵-۸۳۰) با استفاده از رابطه تابع تولید نیمه لگاریتمی برآورد کردند که ایالات جنوبی آمریکا از سرمایه‌گذاری‌های عمومی مانند احداث بزرگراهها بهره کمتری برده‌اند؛ با وجود اینکه می‌توانستند سهم بیشتر در محصولات ملی داشته باشند. این مطالعه همچنین نشان داد که مسئولیت ایالات در سرمایه‌گذاری‌های بزرگ عمومی به سطح توسعه اقتصادی آنها بستگی دارد. تحقیق انجام شده توسط شاروکاوی و

دیگران^(۲۲) تغییرات در توزیع فضایی توسعه چین را در طول و بعد از جنبش انقلابی مردم، روشن ساخت. محققین از سیستم اطلاعات جغرافیایی^(۲۳) برای طرح الگوی توزیع فضایی آتی چین استفاده نموده و بطور ضمنی به حقوق کاربری اراضی و بر ضرورت بازارهای مالکیت خصوصی تأکید ورزیدند. سایر مطالعاتی که به سیاستهای عمومی می‌پرداخت برای توسعه منطقه و رفاه هدایت شده بود. در اولین مطالعه‌ای که بوسیله هگنز و ساویو^(۲۴) انجام شد مباحثی در سطوح نظری و کاربردی از طریق بررسی سیاستهای توسعه منطقه‌ای اصولی و اجرایی آنها در کشورهای متعدد توسعه یافته و در حال توسعه تحت پوشش قرار گرفت. آنها توجه خاصی را به تشکیلات دره‌تسنسی^(۲۵)، هدایت توسعه اقتصادی^(۲۶)، کمیسیون منطقه‌ای آپالاش، و طرح آستین^(۲۷) در ایالات متحده آمریکا معطوف نمودند. علاوه بر این، آنها برای تجربه‌اندوزی از کاربرد طرحهای توسعه منطقه‌ای، سیاستهای توسعه منطقه‌ای انگلستان، اروپا، کانادا و برخی از کشورهای توسعه یافته و کمتر توسعه یافته را بطور متقارنه تحلیل نمودند. بلک^(۲۸) اثرات تغییرات در سیاستهای پولی و مالی را در کشور توسعه یافته انگلستان و مناطق کمتر توسعه یافته بررسی نمود. این تغییرات اثرات مستقیمی روی مصرف، میزان مبادله، درآمدها و ارزش‌داری داشتند. او نتیجه گرفت که تفاوت‌های حساسی بین مناطق جنوبی و شمالی از نقطه‌نظر عواملی نظیر مالیات‌های درآمدی، هزینه‌های دولتی، سرمایه‌گذاری‌های عمومی، بیمه ملی، پرداخت‌های انتقالی، تغییر در میزان نرخ بهره و قیمت مسکن وجود دارد (بلک، ۱۹۹۵: ۶۴-۱۴۵).

رازلی روندهای نامتعادل منطقه‌ای در طی دوره بعد از اصلاحات چین را متذکر گردید. وی روشی استنتاجی برای نشان دادن این نکته که نابرابری بین سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۹ افزایش یافته بکار گرفت. تحلیل‌های جزءگرایانه نشان داد که سیاستها به منظور افزایش اهمیت بخش کشاورزی بطور نامتعادل کاهش یافته است، درحالیکه همین سیاستها، گسترش صنعت روستائی را که سبب افزایش عدم تعادل منطقه‌ای می‌شد تشویق می‌نمود (رازلی، ۱۹۹۴، ۹۱-۳۶۲).

روش تحلیل داده‌ها

در کشور ترکیه ۷۷ استان وجود دارد. لیکن اخیراً موقعیت برخی از شهرها به استان تغییر یافته است. بنابراین آمار استان‌های قدیمی، داده‌های استانهای جدیدالتأسیس را نیز دربرمی‌گیرد. در تحقیق حاضر استانها مطابق با مراحل توسعه‌شان تحت سه گروه: استانهای با رتبه درجه یک (FPP)، استانهای با رتبه درجه دو (SPP) و استانهایی که موقعیت رتبه‌ای را کسب نموده‌اند (NPP) تقسیم شده‌اند (به نگاره ۱ و جدول ۱ رجوع شود). سیاست‌های حمایتی دولت براساس این تقسیم‌بندی شکل گرفته است؛ به عبارت دیگر، از نظر اقتصادی از زمانی که گروه استانهای کمتر توسعه یافته وجود داشته، استانهای با رتبه درجه یک در بالاترین سطح سرمایه‌گذاری‌های عمومی، یارانه‌ها و انواع مختلف انگیزه مالیات و سرمایه‌گذاری را دریافت نموده‌اند. از طرف دیگر، استانهای رتبه‌ای درجه



نگاره ۱: موقعیت رتبه‌ای استانها در ترکیه ۱۹۹۷ (ارقام بیانگر درآمد سرانه ملی استانها برحسب قیمت‌های ثابت ۱۹۷۹ دلار امریکاست).

آمارهای توصیفی

مقایسه ارقام GNP، افزایش سطوح درآمدی پنج برابری از استانهای با رتبه درجه یک به طرف استانهای فاقد موقعیت امتیازی را روشن می‌سازد. با این حال، تنها درآمد استانهای فاقد موقعیت امتیازی بطور متوسط از $10^9 \times 45/3$ لیره ترک^(۳۵) تجاوز کرده است. وضعیت‌های مشابه، در سرانه GNP، نیروی کار و سرانه هزینه عمومی مشاهده شده است؛ به هر اندازه که از استانهای کمتر توسعه یافته به طرف استانهای توسعه یافته حرکت می‌شود ارزش این متغیرها بیشتر می‌شود. برای مثال میانگین حسابی سرانه GNP استانهای با رتبه درجه یک، ۱۲۵۰/۱۴ دلار ایالات متحده در حالیکه در استانهای فاقد رتبه امتیازی ۲۷۶۱/۳۹ دلار ایالات متحده است؛ نیروی کار در استانهای با رتبه درجه یک ۹۴۷۹/۶۵ در استانهای فاقد موقعیت رتبه‌ای ۵۷۲۱۲/۶۳ می‌باشد؛ و هزینه سرانه سرمایه‌گذاری عمومی برای استانهای با رتبه درجه یک ۷/۰۸ لیره، لیکن برای استانهای فاقد موقعیت امتیازی ۸/۳۶ لیره می‌باشد. اگر چه متوسط سطح جمعیت از ۴۱۴۰۵۳/۹۶ به ۱۱۰۰۳۷۱/۰۰ افزایش یافته با این حال، هم‌چنانکه از گروه استانهای با رتبه درجه یک به طرف استانهای با رتبه درجه دو و استانهای فاقد موقعیت رتبه‌ای حرکت می‌کنیم، الگوی مشابهی در نرخهای رشد جمعیت استانها مشاهده نمی‌شود.

دو تنها از برخی از برنامه‌های حمایتی آنها (سیاستهای حمایتی دولت) توانسته‌اند سود ببرند. گروه استانهای توسعه یافته هیچگونه یارانه یا انگیزه‌های مالی را واگذار نکرده‌اند. در این مطالعه داده‌های ثانویه (فرعی) مربوط به کلیه انواع شاخص‌های توسعه برای استانها از GNP گرفته تا گونه‌های حمل و نقل گردآوری شده است. از میان این شاخص‌ها، متغیرهای ده‌گانه‌ای که برای مشخص کردن موقعیت‌های اقتصادی این گروه‌ها مورد ملاحظه واقع شد برحسب گرایش نسبت به مرکز و پراکندگی مورد تحلیل قرار گرفتند. برای این هدف، میانگین حسابی، قیمت‌های حداکثر و حداقل، دامنه‌های میانی و انحراف معیار این گروه‌ها محاسبه گردید و تحلیل‌های اقتصادی جهت برقراری برخی از روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته داده‌ها انجام شد. سپس برای تعیین اینکه آیا نتایج آنها از نظر آماری معنی‌دار هستند یا خیر، آزمون شد. توصیف‌های آماری و تحلیل‌های اقتصادی برپایه داده‌های ثانویه سازمان برنامه‌ریزی کشور (۱۹۹۳، ۷، ۸، ۲۳)، هدایت سرمایه‌ای (۱۹۹۵، ۸-۶) و سونموز (۱۹۹۵، ۸-۶، ۱۹۹۷؛ ۳۳-۱۸) ارائه شده است. برای انجام تحلیل‌های آماری به منابع کلاسیک نظیر دراپر و اسمیت^(۲۹)، ایرتیک^(۳۰) (۱۹۹۶)، جانسون^(۳۱) (۱۹۷۲)، والپول^(۳۲) (۱۹۸۲)، والپول و میرز^(۳۳) (۱۹۹۰) و وان ناکوت^(۳۴) (۱۹۷۰) رجوع گشته است.

جدول ۲: توصیف آماری استانهای ترکیه

متغیرها	حداقل	حداکثر	حد متوسط	میانگین حسابی	انحراف معیار
کل GNP: میلیون لیره ترک بر حسب ارزش ثابت ۱۹۷۹					
کل استانها	۲۲۸۳/۹۰	۶۴۶۶۷۸/۸۰	۳۲۲۱۹۷/۴۵	۴۵۲۶۰/۷۹	۸۶۱۷۷/۳۶
استانهای با رتبه درجه یک	۲۲۸۳/۹۰	۶۴۱۶۵/۹۰	۳۰۹۴۱/۰۰	۱۳۵۴۰/۸۳	۱۴۶۸۴/۷۵
استانهای با رتبه درجه دو	۸۹۸۸/۴۰	۲۹۸۵۲/۰۰	۱۰۴۳۱/۸۰	۱۸۸۰۸/۹۲	۶۴۴۰/۳۷
استانهای فاقد موقعیت رتبه‌ای	۱۱۱۹۲/۷۰	۶۴۶۶۷۸/۸۰	۳۱۷۷۴۳/۰۵	۶۷۷۲۹/۳۲	۱۰۹۲۵۷/۷۲
کل: GNP دلار آمریکا بر حسب ارزش ثابت ۱۹۷۹					
کل استانها	۶۶۶/۰۰	۷۳۴۹/۰۰	۳۳۴۱/۵۰	۲۱۴۹/۳۹	۱۰۹۶/۲۵
استانهای با رتبه درجه یک	۶۶۶/۰۰	۲۵۶۰/۰۰	۹۴۷/۰۰	۱۲۵۰/۱۴	۴۶۳/۸۵
استانهای با رتبه درجه دو	۱۲۴۵/۰۰	۲۲۰۱/۰۰	۴۷۸/۰۰	۱۶۷۱/۴۶	۳۳۰/۱۸
استانهای فاقد موقعیت رتبه‌ای	۱۱۲۸/۰۰	۷۳۴۹/۰۰	۳۱۱۰/۵۰	۲۷۶۱/۳۹	۱۰۹۳/۲۲
جمعیت ۱۹۹۵					
کل استانها	۱۰۲۱۶۷/۰۰	۸۷۸۱۹۶۲/۰۰	۴۳۳۹۸۹۷/۵۰	۸۰۹۹۹۹/۳۲	۱۱۱۱۸۰۹/۴۸
استانهای با رتبه درجه یک	۱۰۲۱۶۷/۰۰	۱۲۴۸۰۷۶/۰۰	۵۷۲۹۵۴/۵۰	۴۱۴۰۵۳/۹۶	۳۲۷۰۱۸/۱۱
استانهای با رتبه درجه دو	۲۴۰۷۲۸/۰۰	۹۲۸۷۴۹/۰۰	۳۴۴۰۱۰/۵۰	۵۷۸۷۱۷/۹۲	۲۱۴۶۲۶/۹۴
استانهای فاقد موقعیت رتبه‌ای	۱۸۳۳۷۸/۰۰	۸۷۸۱۹۶۲/۰۰	۴۲۹۹۲۹۲/۰۰	۱۱۰۰۳۷۱/۰۰	۱۴۳۲۵۵۶/۹۹
نرخ رشد جمعیت سالیانه ۱۹۹۵ (%)					
کل استانها	-۱/۳۳۶	۶/۰۷۲	۳/۷۰۴	۰/۹۸۴	۰/۲۷۲۸
استانهای با رتبه درجه یک	-۰/۷۱۴	۶/۰۷۲	۳/۳۹۴	۱/۱۳۲	۰/۳۳۱۶
استانهای با رتبه درجه دو	-۰/۳۴۲	۱/۷۰۴	۱/۰۲۴	۰/۵۷۴	۰/۱۲۳۲
استانهای فاقد موقعیت رتبه‌ای	-۱/۳۳۶	۴/۰۳۰	۲/۶۸۴	۱/۰۳۶	۰/۲۷۲۴
نیروی کار ۱۹۹۲					
کل استانها	۱۸۲۹/۰۰	۶۷۲۳۳۶/۰۰	۳۳۵۲۵۳/۵۰	۳۶۲۱۷/۵۳	۸۴۰۳۸/۲۳
استانهای با رتبه درجه یک	۱۸۲۹/۰۰	۶۲۹۷۳/۰۰	۳۰۵۷۲/۰۰	۹۴۷۹/۶۵	۱۳۳۶۷/۰۳
استانهای با رتبه درجه دو	۴۷۴۰/۰۰	۲۸۳۷۹/۰۰	۱۱۸۱۹/۵۰	۱۵۴۰۳/۷۷	۶۵۹۹/۱۹
استانهای فاقد موقعیت رتبه‌ای	۵۴۶۱/۰۰	۶۷۲۳۳۶/۰۰	۳۳۳۴۳۷/۵۰	۵۷۲۱۲/۶۳	۱۱۰۱۹۲/۲۸
درآمدهای عمومی کل: بلیون لیره ترک در طی مدت ۱۹۹۰ - ۱۹۸۶ بر حسب ارزش ثابت ۱۹۹۳					
کل استانها	۶۶/۶۷	۳۰۳۰۰۰/۰۰	۱۵۱۴۶۶/۶۶	۱۰۷۰۵/۱۰	۳۸۸۰۶/۳۲
استانهای با رتبه درجه یک	۶۶/۶۷	۱۱۶۱۳/۶۷	۵۷۷۳/۵۰	۱۳۳۷/۹۹	۲۵۱۶/۰۸
استانهای با رتبه درجه دو	۷۰۰/۰۷	۲۷۴۳/۰۲	۱۰۲۱/۴۸	۱۸۶۹/۷۰	۶۸۴/۲۸
استانهای فاقد موقعیت رتبه‌ای	۳۰۶/۲۶	۳۰۳۰۰۰/۰۰	۱۵۱۳۴۶/۸۷	۱۷۸۴۷/۵۶	۵۰۸۷۴/۲۰
سرمایه گذاری عمومی کل: بلیون لیره ترک در طی مدت ۱۹۹۰ - ۱۹۸۶ بر حسب ارزش ثابت ۱۹۹۳					
کل استانها	۱۶/۷۲	۵۹۴۶۹/۳۱	۲۹۷۲۶/۲۹	۱۰۴۸/۳۸	۱۱۰۵۱/۸۵
استانهای با رتبه درجه یک	۱۶/۷۲	۲۶۰۸۶/۶۰	۱۳۰۳۴/۹۴	۴۵۷۰/۷۰	۶۷۴۰/۴۰
استانهای با رتبه درجه دو	۸۴۲/۲۷	۲۷۵۹۳/۱۶	۱۳۳۷۵/۴۵	۵۵۴۹/۱۴	۷۸۱۰/۹۹
استانهای فاقد موقعیت رتبه‌ای	۱۸۰/۲۶	۵۹۴۶۹/۳۱	۲۹۶۴۴/۵۲	۸۶۷۳/۵۶	۱۳۲۶۰/۰۴
هزینه سرانه عمومی ۱۹۹۵: لیره ترک					
کل استانها	۰/۱۰	۴۷/۵۰	۲۳/۷۰	۸/۰۰	۸/۵۶
استانهای با رتبه درجه یک	۰/۱۰	۲۶/۰۰	۱۲/۹۵	۷/۰۸	۶/۴۱
استانهای با رتبه درجه دو	۳/۲۰	۳۰/۹۰	۱۳/۸۵	۸/۰۲	۸/۵۱
استانهای فاقد موقعیت رتبه‌ای	۰/۶۰	۴۷/۵۰	۲۳/۴۵	۸/۳۶	۹/۵۵
هزینه عمومی / میزان درآمد عمومی (%)					
کل استانها	۰/۲۳	۱۳/۴۹	۶/۶۳	۲/۲۴	۲/۱۸
استانهای با رتبه درجه یک	۰/۴۷	۱۳/۴۹	۶/۵۱	۴/۶۷	۲/۹۰
استانهای با رتبه درجه دو	۱/۴۹	۳/۱۰	۰/۸۱	۲/۱۳	۰/۴۴
استانهای فاقد موقعیت رتبه‌ای	۰/۲۳	۱/۷۳	۰/۷۵	۱/۰۹	۰/۴۴
فاصله از استانبول (کیلومتر)					
کل استانها	۰	۱۸۷۹/۰۰	۹۳۹/۵۰	۸۶۵/۳۰	۸۶۵/۳۰
استانهای با رتبه درجه یک	۳۵۳/۰۰	۱۸۷۹/۰۰	۷۶۳/۰۰	۱۳۶۰/۰۰	۳۳۷/۴۴
استانهای با رتبه درجه دو	۵۰۰/۰۰	۱۲۹۶/۰۰	۳۹۸/۰۰	۸۲۸/۷۷	۲۶۷/۰۱
استانهای فاقد موقعیت رتبه‌ای	۰	۱۱۵۳/۰۰	۵۷۴/۵۰	۵۹۴/۵۱	۳۰۶/۸۵

نرخهای رشد جمعیت سالیانه، گروه استانهای با رتبه درجه یک (۱/۱۳۲ درصد) و استانهای فاقد موقعیت رتبه‌ای (۱/۰۳۶ درصد)، بالاتر از متوسط نرخ رشد جمعیت همه شهرها (۰/۹۸۴) می‌باشند. با این وجود، نرخ رشد جمعیت گروه استانهای رتبه‌ای دو (با ۰/۵۷۴ درصد) در حدود نیمی از کل استانها است.^(۳۶) درآمدها و سرمایه‌گذاری‌های عمومی هر دو با حرکت از استانهای با رتبه درجه یک به طرف استانهای فاقد موقعیت رتبه‌ای افزایش می‌یابد. نسبت هزینه‌های عمومی به درآمدهای دولتی برای استانهای فاقد موقعیت رتبه‌ای ۱/۰۹ است؛ به این معنی که هزینه‌های دولتی در این استانها کمی بیشتر از درآمدها می‌باشد. از طرف دیگر، دولت برای گروه استانهای با رتبه درجه یک، نزدیک پنج برابر بیش از آن مقداری که پوشش دهد هزینه صرف می‌کند. با حرکت به طرف شرق، بدترین وضعیت اقتصادی ایجاد می‌شود. به عنوان مثال، مسافت متوسط گروه استانهای با رتبه درجه یک حداقل توسعه یافته از استانبول ۱۳۶۰ کیلومتر است. استانبول در منطقه مرمره به دلیل قرارگیری در جایی که نقطه شروع توسعه و افزایش درآمد می‌باشد. بعنوان شهر مادر در نظر گرفته شده است. بنابراین، یک همبستگی منفی را می‌توان انتظار داشت، لیکن بین سطوح توسعه و مسافت آنها از استانبول علت مستقیم نیست. آمار انحراف معیار و ارزش‌های دامنه - میانه (نصف اختلاف بین قیمت‌های حداکثر و حداقل) آشکار نمود که متغیرهای حداکثر در سطوح جمعیتی، کل درآمدهای عمومی و هزینه‌های عمومی قابل مشاهده است. این نشان می‌دهد که اختلاف زیادی بین قیمت‌های حداکثر این متغیرها وجود دارد. برای مثال انحراف معیار کل درآمدهای عمومی استانهای فاقد موقعیت رتبه‌ای 0.9×10^6 می‌باشد که بین 0.3×10^6 و 3.0×10^6 متغیر است. برعکس، داده‌های مربوط به نرخهای رشد جمعیتی، هزینه سرانه عمومی و نسبت هزینه‌های عمومی به درآمدهای عمومی بسیار متجانس می‌باشد و نشان دهنده این است که اختلاف بین متغیرها کاملاً ناچیز است.

نتایج تحلیلی

یکی از اهداف این مطالعه، برقراری روابط بین توسعه استانها و عوامل تأثیرگذار اجتماعی، جمعیتی، اقتصادی و نهادی معین می‌باشد. به منظور نیل به این اهداف، مدل‌های خطی چندی تنظیم و تحلیل‌های همبستگی چند عاملی انجام شد. در این تحلیل‌ها، این فرضیه مطرح بود که ارقام GNP، سطوح توسعه استانها را منعکس می‌سازند. بنابراین، این ارقام برای تعیین عواملی که بر GNP هر استان تأثیر می‌گذارند مهم می‌باشند. GNP به عنوان یک متغیر وابسته با برخی از متغیرهای مستقل (نظیر سطح جمعیت، نرخ رشد جمعیت، نیروی کار در دسترس، سرمایه‌گذاری عمومی کل) برای مدل‌های خطی خلاصه شده در جدول ۳ مورد مقایسه قرار گرفت.

این مدل‌ها برای کل کشور طراحی شده و در برگیرنده همه استانها و گروه‌های استانهای با رتبه درجه یک، درجه دو و استانهای فاقد موقعیت امتیازی می‌باشند. (Y) GNP متغیر وابسته طراحی شده برای مدل‌های مختلف است که سطح توسعه اقتصادی هر استان را نشان می‌دهد. مشخصه‌های مدل، ضریب همبستگی متغیرها، آمارهای F, R^2, F, t model.

به ترتیب تابعی از متغیرها و مدل‌های خاص در جدول ۳ ارائه شده است. در کلیه موارد، ارزش‌های R^2 یا R^2_a مدل‌ها به میزان بالائی معنی دار هستند. این امر نشان می‌دهد که تغییر در GNP استانها با استفاده این مدلها کاملاً توجیه‌پذیر می‌تواند باشد؛ کلیه آنها چنانچه بوسیله $F^{(37)}$ model نشان داده شده از نظر آماری معنی دار می‌باشند.

کل استانها

تغییر در Y کل استانها به سه عامل کل جمعیت استانها در سال ۱۹۹۵ (X_1)، کل درآمد عمومی در سطح استانی سالهای ۱۹۹۰ - ۱۹۸۶ (X_4)، و مسافت استانها از استانبول (X_6) نسبت داده می‌شود. همچنانکه آماره‌های t و F نشان می‌دهند همگی از نظر آماره‌ها در سطح احتمال ۹۵ درصد معنی دار هستند. کلیه متغیرهای مستقل تأثیرات مورد انتظار را دارند. در اینجا تأثیر منفی X_6 ، مسافت استانها از استانبول، تقویت کننده بحث حاضر بر اساس مشاهدات می‌باشد. بدین معنی که فاصله زیاد یک استان از استانبول سطح رشد اقتصادی آن را کمتر می‌سازد؛ مقدار GNP بزاء هر کیلومتری که فرد از استانبول دور می‌شود ۱۵/۴ میلیون لیره ترک کاهش می‌یابد.

گروه استانهای با رتبه درجه یک

مدل Y گروه استانهای با رتبه درجه یک، همچنانکه بوسیله 0.9775 $R^2_a =$ نشان داده شده، نتایج کاملاً معنی داری را ارائه می‌دهد. به این معنی که تقریباً ۹۸ درصد تغییرات در Y گروه استانهای با رتبه درجه یک از طریق تغییرات متغیرهای مستقل X_1, X_4, X_6 می‌تواند تبیین گردد. متغیرهای ثابت و کلیه متغیرهای دیگر بجز X_6 ضریب‌های معنی داری با ۹۵ درصد سطح احتمال دارند. تأثیر نیروی کار در دسترس در یک استان (X_1) این گروه منفی بوده که نتیجه مورد انتظار نبوده است.

گروه استانهای با رتبه درجه دو

در مدل Y گروه استانهای با رتبه درجه دو که در جدول ۳ ارائه شده، کلیه استانها بجز PI از نظر آماری معنی دار هستند. اثرات متغیرهای مستقل بجز X_1 همچنانکه پیش بینی شده می‌باشند. نتیجه‌ای که از این گروه می‌توان گرفت این است که سطح بالای جمعیت به تنهایی برای ایجاد GNP بالا کافی نیست.

گروه استانهای فاقد موقعیت امتیازی

Y گروه استانهای فاقد موقعیت امتیازی در برگیرنده متغیرهای مستقل X_1, X_3, X_4, X_6 با ۹۵ درصد تغییر کل در GNP گروه استانهای مذکور می‌تواند توجیه گردد. همه متغیرهای ثابت، X_3, X_4 از نظر آماری معنی دار می‌باشند و تأثیرات شان مورد انتظار بوده است. PI بر Y گروه استانهای فاقد موقعیت امتیازی تأثیر مثبتی می‌گذارد؛ هر چند که از نظر آماری معنی دار نیست. برای مثال، در این گروه سرمایه‌گذاری دولتی سطح درآمد استان را تقویت می‌کند. در راستای تعیین پایانی بیشتر و نشان دادن اینکه سطوح درآمدی این استانها در دوره‌های واقعی افزایش داشته است یا خیر، سری زمانی داده‌ها مورد نیاز می‌باشد.

جدول ۳: نتایج رگرسیون داده‌های استانی

A همه استانها (متغیر وابسته: Y کل استانها)			
۶/۰۶۲۱	۲/۴۶۲	۱۴۷۷۶/۸۸۳۶	ثابت
۳۷/۴۲۵۲	۶/۱۱۸ *	۰/۰۳۵۰	X _۱
۳۹/۹۵۵۶	۶/۳۱۹	۰/۰۰۱۱	X _۴
۸/۵۹۳۵	-۲/۹۳۱	-۱۵/۳۸۹۰	X _۶
Fmodel= ۴۷۸/۱۲۰۹ *	R ^۲ a= ۰/۹۵۵۹	R ^۲ = ۰/۹۵۷۹	
B استانهای با رتبه درجه یک (متغیر وابسته: Y استانهای با رتبه درجه یک)			
۱۹/۹۲۲۳ *	۴/۴۶۳ *	۳۹۲۰/۵۱۶۸	ثابت
۰/۴۸۲۶	-۰/۹۶۵	-۰/۱۹۹۴	X _۳
۱۷/۲۹۴۶	۴/۱۵۷ *	۰/۰۰۵۶	X _۴
۷/۷۹۷۰ *	۲/۷۹۲ *	۰/۰۰۰۶	PI
Fmodel= ۱۵۹/۹۷۱۷ *	R ^۲ a= ۰/۹۷۷۵	R ^۲ = ۰/۹۷۳۶	
C استانهای با رتبه درجه دو (متغیر وابسته: Y استانهای با رتبه درجه دو)			
۲۶/۰۵۳۴ *	۵/۱۰۴ *	۴۴۵۱/۲۶۵۰	ثابت
۳/۱۸۹۱	-۱/۷۸۶ *	-۰/۰۰۶۹	X _۱
۱۴/۶۶۲۸	۳/۸۲۹	۴۶۳/۹۰۱۹	X _۲
۸۳/۴۵۳۷ *	۹/۱۳۵ *	۱/۰۸۹۲	X _۳
۰/۶۵۱۱	۰/۸۰۷	۰/۰۰۰۰۴	PI
Fmodel= ۱۰۷/۸۳۵۱	R ^۲ a= ۰/۸۵۰۷	R ^۲ = ۰/۸۵۸۷	
D استانهای فاقد موقعیت رتبه‌ای (متغیر وابسته: Y استانهای فاقد موقعیت رتبه‌ای)			
۷/۴۲۳۹ *	۲/۷۲۵ *	۱۵۵۱۳/۰۳۰۵	ثابت
۱۰/۲۸۸۲ *	۳/۲۰۸ *	۰/۶۱۳۲	X _۳
۳/۱۲۸۲	۱/۷۶۹ *	۰/۰۰۰۷	X _۴
۰/۱۳۴۱	۰/۳۶۶	۰/۰۰۰۲	PI
Fmodel= ۲۳۲/۰۴۳۲ *	R ^۲ a= ۰/۹۴۹۳	R ^۲ = ۰/۹۵۳۴	

$Y =$ تولید درآمد ناخالص ملی، میلیون لیره ترک بر حسب قیمت ثابت ۱۹۷۹
 $X =$ سطوح جمعیتی استانی در سال ۱۹۹۵
 $X_۱ =$ نرخ رشد جمعیت (%)
 $X_۳ =$ کل نیروی کار در دسترس استانها در ۱۹۹۲
 $X_۴ =$ کل درآمد عمومی در ۱۹۹۰ - ۱۹۸۶ میلیون لیره ترک بر حسب قیمت ثابت ۱۹۹۳
 $X_۶ =$ فاصله از استانبول بر حسب کیلومتر
 $PI =$ کل سرمایه گذاری عمومی در ۹۲ - ۱۹۸۳ میلیون لیره ترک بر حسب قیمت ثابت ۱۹۹۳
 * از نظر آماری با سطح احتمال ۹۵٪ معنی دار
 + از نظر آماری با سطح احتمال ۹۰٪ معنی دار

نتیجه گیری ها و توصیه ها

از نتایج تحلیل های آماری بحث شده می توان موارد زیر را استخراج نمود:

۱- مدل تدوین یافته برای گروه استانهای با رتبه درجه یک نشان داد که PI و GNP ارتباط مثبتی دارند که نتیجه غیر منتظره و غیر قابل پیش بینی است. بدین معنی که با افزایش GNP، سرمایه گذاری عمومی نیز افزایش می یابد و برعکس. این نتیجه با سیاست های عمومی دولت که در راستای اصلاح وضعیت اقتصادی درصدد هدایت سرمایه گذاری های عمومی به سوی نواحی کمتر توسعه یافته است در تضاد می باشد.

۲- هیچ توجیه قابل قبولی برای PI در گروه استانهای با رتبه درجه دو وجود ندارد. پیشنهاد می شود که در این استانها جهت گیری سیاست های دولت، از نقطه نظر عوامل غیر کمی نظیر عوامل سیاسی، اجتماعی و غیره مورد ملاحظه قرار نگیرد. با این حال، سطوح در آمد این استانها بطور مثبت از PI تأثیر پذیرفته اند.

۳- در گروه استانهای فاقد موقعیت امتیازی، PI عامل مهمی در GNP نیست. در پرتو این وضعیت، توصیه هایی چند را می توان ارائه نمود. معیار مقصد جدید و عمده برای سیاست های حمایتی عمومی بایستی توسعه داده شود. اگر چه دولت های ترکیه بطور مداوم ادعا نموده که تلاش هایشان را برای بهبود شرایط رفاه و بهزیستی اقتصادی مناطق کمتر توسعه یافته مضاعف نموده، با این حال، به نظر می رسد این سیاست ها در بیشتر استانها شکست خورده اند. بخش های شرقی کشور بر خلاف همه منابع اختصاص یافته، بطور غیر قابل انکاری کمتر توسعه یافته اند.

یکی از دلایل این امر این است که هزینه سرانه عمومی برای گروه استانهای با موقعیت درجه یک کمتر از متوسط ۸/۰۰ لیره ترک یعنی ۷/۰۸ لیره ترک است. در حقیقت، هزینه های سرانه عمومی از گروه استانهای با رتبه درجه یک به گروه استانهای با موقعیت رتبه درجه دو کاهش می یابد (به جدول ۲ رجوع شود). الگوی مشابهی در کل سرمایه گذاری عمومی می توان مشاهده نمود که این امر نشانگر آن است که اقدامات مطابق با اهداف سیاست تنظیم نشده اند. نکته با ارزش این است که X_p مدلی کل استانهای Y وارد نشده است. بدین معنی که با وجود هدایت سرمایه گذاری های عمومی با حجم های گسترده به استانهای انتخابی، این سیاست، اصلاح اندکی را در سطوح GNP این مناطق داشته است.

عضویت ترکیه قبل از حمایت بخش های انتخابی به عنوان عضوی از اتحاد گمرکی که بین این کشور و جامعه مشترک اروپا به تصویب رسید چندان ساده نبوده است. در حقیقت ارائه هر گونه امتیاز خاص یا حمایت مالی با استفاده از صندوق های عمومی برای توسعه استانهای عقب مانده ترکیه امری شدنی نیست.

بنابراین در کنار زیر ساخت ها، بایستی معیار تعیین شده برای «توسعه کمربندهای صنعتی» به منظور امکان پذیر نمودن برخی برنامه های حمایتی دیگر و پروژه هایی برای مطرح ساختن مسایل زیست محیطی مجدداً تعریف گردند. شاید نیاز به صندوق های قابل حصول مالی برای برنامه های

حمایتی، حتی بسیار مهمتر از مسایل بحث شده فوق، باشد. به هر حال، تجارت ترکیه بین سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۹۵ به میزان ۳/۴ برابر کسری مواجه شده، یعنی از ۴ میلیون دلار ایالات متحده به ۱۴ میلیون رسیده است و آمارهای مقدماتی بیانگر آن است که این کسری خصوصاً پس از اتحاد گمرکی بیشتر شده یعنی به ۱۸/۵ میلیون دلار در سال ۱۹۹۶ بالغ گردیده است (DTM، ۱۹۹۷: ۳-۶).

پیش بینی می شود که در سالهای اولیه عضویت ترکیه در اتحادیه گمرکی بدنبال کسری تجارت خارجی و سایر مشکلات پولی برخی دشواری های مالی بروز نماید. جهت غلبه بر کسری های اقتصادی پیش بینی شده، طرحی برای تأمین کمک مالی کافی و اعطا از طریق صندوق های اتحادیه اروپایی ارائه گردید. با این وجود، در اثر برخی از مشاجرات سیاسی آشکار بین ترکیه و یونان این برنامه حمایتی متوقف شد. بعلاوه، ترکیه به عنوان بخشی از سیاست توسعه منطقه ای به دلایلی چون برنامه های حمایتی از فقیرترین دولت های عضو (پرتغال، اسپانیا، ایرلند، یونان)، کمک به کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در راستای حمایت از برنامه های طراحی شده از سرمایه های ساختاری اتحادیه اروپا، و از پروژه فار^(۳۸) که برای اصلاح زیر ساخت ها طراحی شده بود و رقابت با کشورهای سوسیالیستی قبلی اروپا مستثنی گردید. همچنین، ترکیه از شبکه های نقل و انتقال اروپایی، پروژه های وسیع اروپایی اصلاح حمل و نقل، ارتباطات و عرضه انرژی محروم شد.

در اولین پارگراف تحت عنوان شماره ۳۲ توافق شورای همکاری ترکیه - اتحاد اروپایی مورخه ۹۵/۱ عنوان گردید که:

هر گونه کمک اعطایی بوسیله دولت های عضو جامعه اروپایی یا ترکیه از منابع دولتی در هر شکلی که موجب انحراف یا تهدید به تحریف رقابت از طریق انجام تعهدات معین مطلوب یا تولید کالاها معین در حدی که به تجارت بین جامعه و ترکیه اثر گذارد با عملکرد مناسب اتحادیه گمرکی سازگار نیست. از طرف دیگر، در پاراگراف دوم نمونه های سازگار با عملکرد مناسب اتحادیه گمرکی عنوان گردیده است و برای یک مدت پنج ساله کمک به منظور ارتقاء، توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه یافته ترکیه بطور خاص تأکید شده است. بنابراین، بایستی برنامه های کمک مالی جامعه اروپا به منظور رفع مشکل کسر تجاری و عدم تعادل منطقه ای که در ترکیه وجود دارد، تا آنجا که ممکن است فعال گردد. در غیر این صورت، اصل اساسی اتحادیه گمرکی اروپایی، رقابت آزاد بدون هیچ گونه جانبداری از هر کشور یا هر شرکت، نقص پیدا خواهد نمود و شکاف بین ترکیه و کشورهای عضو جامعه اروپا در اثر عدم تسهیل برنامه های کمکی در این کشور بیشتر نیز خواهد شد.

مطابق با گفته کریس رامفورد^(۳۹)، محقق ارشد بنیاد توسعه اقتصادی، ترکیه به روش متناسب با موقعیت خویش به عنوان یک شریک اقتصادی عمده اتحادیه اروپایی اصلاح نخواهد شد. کشورهای با ارتباطات اقتصادی ضعیف تر که شرکای کم اهمیت تری نیز هستند بر حسب گستره پروژه های اروپای بزرگ، از موقعیت اصلاحی امتیازی برخوردار شده اند. هیچ توجیه منطقی برای محروم نمودن ترکیه از طیف طرح های مرتبط به

جامعه اروپائی وجود ندارد:

(الف) ترکیه سابقاً از شرکاء بازار منفرد^(۴۰) بوده؛ و (ب) وابستگی ترکیه تا به امروز به عنوان توزیع کننده اصلی در موفقیت بازار منفرد مشاهده شده است (رامفور^(۴۱)، ۱۹۹۷، ۱۲).

البته توجیه قابل قبولی برای مقصر دانستن سیاست کمک جامعه اروپا به ترکیه به عنوان یک دلیل منحصر به فرد در توسعه اقتصادی نا متعادل آن وجود ندارد؛ عموماً پذیرفته شده است که دلایل این مسئله در زمانهای اتومن^(۴۲) ریشه می‌گیرد. بعلاوه، فعالیت‌های تروریستی در شرق و جنوب شرقی ترکیه، نیروی انسانی غیر ماهر کشور، و نرخ بالای بیسوادی آنها از عوامل دیگری هستند که می‌توان در این زمینه اشاره داشت. ترکیه، یکی از کشورهای همسایه عراق در جنگ خلیج فارس از قبل تحریم اقتصادی اعمال شده به شدت متضرر گردیده است. ترکیه و عراق از ارتباط صادرات - واردات سودمند دو جانبه و بسیار فعال قبل از اعمال قوانین محدود کننده برخوردار بودند. گرچه ترکیه بعد از جنگ، از کشورهای خلیج فارس غرامتهایی دریافت نمود. با این حال این مبالغ کافی نبوده و تنها پس از اعلام خسارت و مذاکره‌های طولانی مدت مقداری افزایش یافتند. بعلاوه، تصور می‌شد، تنها هزینه‌های زمان جنگ را پوشش دهند، همینطور این پرداختها برای جبران اقتصاد از دست رفته نواحی شرقی و جنوب شرقی ترکیه در دوره بعد از جنگ، برنامه ریزی نشده بودند؛ تا اینکه تحریم اقتصادی بر کشور عراق اعمال گردید.

سرانجام، دولت ترکیه برای توسعه مناطق کمتر توسعه یافته کشور برنامه‌های بسیار طراحی نمود. لیکن، این برنامه‌ها به دلیل اعتبارات نا کافی و عدم توانایی دولت در تأمین سرمایه گذاری ضروری از منابع خارجی و داخلی به منظور حمایت از آنها به نحو کاملاً موفقیت آمیز و هماهنگ محقق نشد. از هم اکنون دولت ترکیه و جامعه اروپا بایستی پروژه‌های توسعه‌ای (برای مناطق کمتر توسعه یافته شرقی و مناطق جنوب شرقی) که کارا، کاملاً هماهنگ و خود بسنده هستند و از جانب جامعه اروپا و منابع خارجی دیگر حمایت شده‌اند را گسترش دهد. در غیر اینصورت، یکی از مقاصد اصلی اتحادیه گمرکی، که حفظ رقابت آزاد و مناسب در میان دولت‌های عضو است بطور رضایت بخشی برآورده نخواهد شد.

پی نوشت

- 1- State Planning Organization (SPO)
- 2- Gini Coefficient
- 3- Lorenz Curve
- 4- Ensari
- 5- Sonmez
- 6- Cankiri-Corum Project
- 7- Ozgenc
- 8- Gross National Product
- 9- Sonmez

10- Istanbul Chamber of Commerce

11- ITO

12- Icel

13- Marmara-Aegean

14- Dinler

15- Kazgan et al

16- Nijkamp and Blass

17- the European Regional developmentfund

18- Van-Huylenbroeck and Coppens

19- Gordon District

20- Rozelle and Boisvert

21- Moomaw et al

22- Sharkawy et al

23- Geographic Information System

24- Higgins and Savoie

25- Tennessee Valley Authority

26- Economic Development Administration

27- Appalachian Regional Commission, and the Austin

28- Blake

29- Draper and Smith

30- Ertek

31- Johnston

32- Walpole

33- Walpole and Myers

34- Wonnacott

35- Turkjsh lira (TI)

۳۶- نتایج مقدماتی سرشماری ۱۹۹۷ ترکیه نشان داد که کل جمعیت ۶۲۶۰۶۱۵۷ نفر و نرخ رشد سالیانه ۱/۴۷۳ درصد بوده است.

۳۷- مدل فرضی سرمایه گذاری کلی عمومی (PI) به عنوان یک متغیر وابسته در برگیرنده سه متغیر مستقل X_1 ، X_2 ، X_3 می‌باشد. ضرایب X_1 و X_2 از نظر آماری به ترتیب در ۹۵ و ۹۰ درصد سطوح احتمال معنی دار هستند. X_3 یک متغیر مجازی است که موقعیت رتبه‌ای استانها را تعریف می‌کند. این متغیر نشان می‌دهد که منابع عمومی در بین استانها مطابق با سطوح توسعه آنها تخصیص داده شده‌اند. با این حال، این واقعیت پذیرفته شده است که تصمیم‌گیری درباره سرمایه گذاری‌های عمومی تحت تأثیر عوامل سیاسی، اجتماعی و سایر عوامل غیر اقتصادی می‌باشد. بنابراین، مدل فرض شده (PI) بعنوان یک متغیر وابسته از تحلیل هاکنار گذاشته شده است.

38- Phare Project

39- Chris Rumford

40- Single Market

41- Rumford

42- Ottoman